

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

بررسی مضامین شعر اعتراض در ادبیات انقلاب اسلامی* (علمی- پژوهشی)

نجمه طاهری ماه زمینی
دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان
دکتر محمدصادق بصیری
دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان
دکتر محمدرضا صرفی
استاد دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

شاعران و نویسندگان ایرانی در همه اعصار به بیان واقعیت‌ها و انتقاد از حاکمان وقت و اوضاع اجتماعی و سیاسی دوران خود پرداخته‌اند. این نوع اشعار به «شعر اعتراض» موسوم هستند. به طور کلی مضامین شعر اعتراض در دوره انقلاب اسلامی را می‌توان به دو نوع اعتراض‌های جهانی و اعتراض‌های درون‌کشوری تقسیم کرد. نوع اول اعتراض‌ها بیشتر حول مسایلی چون اعتراض به سیاست‌های قدرت‌های جهانی می‌چرخد، اما بخش مهم مقاله مربوط به اعتراض‌های درون‌کشور است که مربوط به بی‌عدالتی‌های موجود در جامعه است. مضمون این اعتراضات نوع دوم عبارت است از؛ گلایه از دگرگونی ارزش‌ها، دلتنگی از تجمل‌گرایی، خرده‌بر بی‌دردی، مذمت اهل ریا و فرصت‌طلبان، شکوه از فریبکاری و فراموشی گذشته، سرزنش شاعران سکوت کرده و... که شاعران آنها با زبانی آمیخته به طنز سعی می‌کنند کسانی را که از راه راست منحرف شده‌اند، به راه صلاح بیاورند. در نهایت با بررسی این مضامین به این نتیجه می‌رسیم که هدف شعر اعتراض، حفظ ارزش‌های اسلامی، اصلاح نمودن جامعه و مبارزه با انواع مختلف بی‌عدالتی است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات انقلاب اسلامی، شعر اعتراض، بی‌عدالتی.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۶/۴
Taheri_najme@yahoo.com
ms.basiri@gmail.com
m_sarfi@yahoo.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۱۰
نشانی پست الکترونیک نویسندگان:

۱- مقدمه

انسان معاصر همواره در حال عصیان در برابر خمودی و ایستایی است و این عصیان و اعتراض خود را در آثار و نوشته‌های خود به صورت شعر، شعار، داستان، طنز و... نمایان می‌سازد. این عصیان، گاه علیه فرهنگ‌های دروغین، گاه مقابل دشمنانی خارجی و گاه اعتراض علیه ضد ارزش‌ها و تغییر مسیر انگیزه‌ها و اهداف دینی و اجتماعی است که روی هم رفته ادبیات پایداری را به وجود می‌آورد.

در حقیقت « ادبیات مقاومت می‌کوشد تا نقطه‌های تاریک زندگی جامعه را به قصد اصلاح مطرح کند و به این منظور به بسیاری از سستی‌ها، بی‌عدالتی‌ها، نابسامانی‌ها، بی‌توجهی‌ها و... می‌تازد و سلاح کوبنده و موثر انتقاد را همیشه در دست دارد، گاه جامعه رنج کشیده و بحران زده را جرقه‌ای لازم است تا به جوشش و تلاطم همه‌گیر برسد و این رسالت را هنرمندان و اهل ادب برعهده دارند» (صدقیان زاده، ۱۳۹۰: ۱۸۶) خصوصیت این گونه اشعار پایداری در دوره انقلاب اسلامی این است که در زمان صلح سروده شده‌اند و هدف آنها براندازی نظام حاکم بر کشور نیست. مخاطب آنها بیشتر، مسئولان داخل کشور است و هدف آنها بیشتر ایجاد عدالت اجتماعی است و قصد دارند با بیان این مشکلات و اعتراض‌ها جامعه را به سمت اصلاح و بهبود پیش ببرند.

۱-۱- بیان مسأله

دامنه شعر پایداری بسیار وسیع است. یکی از زیر مجموعه‌های شعر پایداری، اشعاری با مضامین اعتراضی است که خود نوع مستقلی به عنوان «شعر اعتراض» نامیده می‌شوند.

ترکیب «ادب اعتراض» که تقریباً با مترادفاتی چون «ادب مقاومت»، «ادب شورش»، «ادب ستیز» در برابر «ادب سازش» در آثار ادب پژوهان و فرهنگ‌ها به تصریح از آن یاد شده است، به آن دسته از سروده‌ها و نوشته‌ها اطلاق می‌شود که به نوعی روح انتقاد یا اعتراض یا مقاومت شاعر و نویسنده را در برابر عوامل تحمیلی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی حاکم منعکس کرده است (پشت دار، ۱۳۸۹: ۱۵۸).

در فرهنگ اصطلاحات چاپ و نشر زیر این عنوان آورده است « ادبیات اعتراض (Protest literature): ادبیاتی که هدف از انتشار آن ها اعتراض نسبت به چیزی، معمولاً اعتراض به اوضاع سیاسی است» (پور ممتاز، ۱۳۷۲: ۳۵۹). در واقع با توجه به روحیه سرکش و طغیان گرایان نوشته ها، باید آنها را جزئی از ادب پایداری و در ادامه همان مقاومت ملت ایران دانست. چون انتقاد و اعتراض بدنه‌ای جداگانه، اما بسیار اساسی از مفاهیم و مصداق های ادبیات پایداری را تشکیل می‌دهد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اشعار اعتراضی رنگ و بوی دیگری گرفته‌اند و هدف آنها نیز دگرگون شده است؛ در واقع شاعران انقلابی در دوران جنگ و حتی بعد از آن وظیفه خود می‌دانند تا در برابر نابرابری های اجتماعی و اقتصادی زبان به اعتراض گشایند و انحرافات را به اقشار مختلف جامعه گوشزد نمایند؛ این تحقیق، سعی دارد به بررسی این مضامین در اشعار دوره انقلاب اسلامی بپردازد.

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

شعر اعتراض تاکنون چندان مورد استقبال مسوولان و حتی محققان قرار نگرفته است تا از جنبه های مختلف زبانی و محتوایی مورد بررسی قرار گیرد، اما این مقاله قصد دارد ویژگی ها و مضمون های به کار رفته در این اشعار را از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار دهد تا راهنمایی برای محققان در زمینه ادبیات پایداری و ادب اعتراض باشد.

۱-۳- پیشینه تحقیق

این نوع ادبی از آغاز شعر فارسی تاکنون همواره در اشعار شاعران متعهد مورد توجه قرار گرفته است. از جمله این شاعران معترض می توان خیام، ناصر خسرو، سنایی، حافظ، عیید زاکانی و ... را نام برد. « شعر خیام اعتراض است به کارگاه خلقت مثل شعر «جامی است که عقل آفرین می زندش» شعر حافظ اعتراض است به کارگاه خلقت و کار محتسب مثل «محتسب شیخ شد و فسق خود از یاد ببرد» شعر سنایی نیز در قلمرو «زهد و مثل» غالباً شعر اعتراض است و این اعتراض لحنی درشت و ستهنده دارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۳۹). همچنین ناصر خسرو را

باید یک شاعر ژورنالیست دانست که نقد اجتماعی و سیاسی را در شعر خود مطرح می‌کند. به گونه‌ای که به گفته یکی از محققین اگر ناصر خسرو در عصر حاضر زندگی می‌کرد، بسیاری از اشعار او سانسور می‌شدند و حق چاپ نمی‌یافتند (سلیمانی، ۱۳۶۰: ۱۲۱). اما در گذشته ادب فارسی، این گونه شاعران که انتقاد اجتماعی مستقیم و بانگیزه‌های اجتماعی داشته باشند، اولاً نادر و انگشت شمارند و ثانیاً شعر انتقادی همین بزرگان هم در حدی نیست که بتوان آن را یک جریان مستمر و ریشه دار به شمار آورد و آنها هم، بیشتر ناصح اند تا منتقد (زرقانی، ۱۳۸۷: ۶۷). بنابراین، علی‌رغم تلاش شاعران گذشته ایران، این ادب اعتراضی چندان گسترش نیافته است؛ اما در دوره معاصر یعنی از زمان نهضت مشروطه تا دوره معاصر انتقاد و اعتراض جزئی از زندگی مردم و به خصوص شاعران متعهد شده است. مثلاً ملک الشعرای بهار در اعتراض از وزرا و بی‌تعمدی آنها در رفع مشکلات مردم چنین می‌گوید:

می‌شنیدم سحری طفل یتیمی می‌گفت: / هر بلایی که به ما می‌رسد از این وزراست
خانه «محتشم» آباد که از همت او / شیون و غلغله در خانه مسکین و گداست

(بهار، ۱۳۸۷: ۱۰۱۶)

در دوره قبل از انقلاب و دهه‌های سی و چهل نیز اعتراضات زیادی علیه حکومت پهلوی در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی صورت می‌گیرد. از جمله:

آینه‌ای شدم، / آینه‌ای برای صداها، / آنجا نگاه کن! / فریاد کودکان
گرسنه، / در عطرا دکلن / آری شنیدنی ست ببینید: / فریاد کودکان (شفیعی
کدکنی، ۱۳۸۳: ۴۶۶).

پس از انقلاب اسلامی هم باز برخی کوتاهی‌ها از طرف افراد سودجو باعث شد که مشکلات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و .. همچنان باقی باشند و همه مردم طعم عدالت و برابری را نچشند. همین امر، دلیل ادامه این جریان شعری (شعر اعتراض) در دوران بعد از انقلاب اسلامی گردید.

در واقع، شعر اعتراض به مفهوم خاص خود به شعر دوره بعد از جنگ اطلاق می شود که در آن، شاعر انقلاب بر فراموشی‌ها و دگرگونی ارزش‌ها می‌آشوبد. این نوع شعر در سال‌های جنگ هم سابقه دارد و شاید بتوان «خیابان هاشمی» محمدرضا عبدالملکیان را از نخستین آثار موفق دانست که مشخصاً به مسایل اجتماعی می‌پردازد. البته موضوع آن بیشتر متوجه گروه‌ها و قشرهای اجتماعی معارض با انقلاب است. شعر معترضی که مشخصاً به خودی‌ها اشاره دارد، بیشتر در آثار حسن حسینی و علی رضا قزوه جلوه دارد. البته «این نوع شعر در سال‌های اولیه انقلاب که دوران شکل‌گیری نظام بود، به مصلحت جامعه نبود، ولی در دوران ثبات، زمینه برای طرح این مفاهیم فراهم شد. یکی از زمینه‌های این نوع شعر نفوذ تدریجی رفاه‌زدگی، ریاکاری و استفاده‌جویی در میان گروهی از خودی‌ها بود، شعرهایی مثل «مولا ویلا نداشت» و «روزگار قحطی وجدان» از علی رضا قزوه، «نوشداروی طرح ژنریک» از حسن حسینی از این نمونه‌اند» (کازمی، ۱۳۹۰: ۱۰۴) به طور کلی، دکتر شفیع کدکنی، بخش عظیمی از شاهکارهای شعر جهان را شعر اعتراض می‌نامند (حسینی کلبادی، ۱۳۹۰: ۴۶). البته باید توجه داشت که پایگاه طبقاتی و خاستگاه اجتماعی شاعر و چگونگی رابطه او با هرم قدرت‌های سیاسی و اقتصادی دوران خودش و رابطه این هرم قدرت با بدنه اصلی اجتماع (مردم) در شعر اعتراض، تأثیرگذار است؛ چه بسا شاعرانی که با اعتقاد به یک تفکر و ایدئولوژی خاص انتقادهایی را حتی به اصل نظام داشته باشند و مسلم است که چنین انتقادهایی در این جا مجال بیان و بررسی ندارند و این مقاله، به صورت بی‌طرفانه، تنها به طرح اعتراض‌های شاعران انقلابی و خوش نام می‌پردازد که در ادامه خواهید دید که همین شاعران انقلابی چه انتقادات شدید فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و .. را در اشعار خود مطرح می‌کنند و نباید این گونه تصور شود که چون شاعر انقلابی است، پس باید چشم بر هر کجی و ناراستی موجود در جامعه ببندد؛ بلکه به عکس، شاعران انقلابی در دوران صلح و سازندگی باید ناراستی‌ها را گوشزد کند تا در جهت رفع آنها اقدام شود.

این گونه شعر « بیشتر در غزل نمود یافت ... اما اعتراض، محدود به غزل نیست» (صرفی، هاشمی، ۱۳۹۱: ۳۳۲). برخی از شاعران نوپرداز انقلاب نیز در این نوع شعر شاخص شده اند. «شعر صفارزاده در اوج خود، شعری است اجتماعی و کاملاً غیر شخصی که هیچ از منش فردی شاعر در آن به چشم نمی خورد» (میرشکاک، ۱۳۸۷: ۵۶). از دیگر شاعران شاخص در حوزه شعر اجتماعی انقلاب، علی معلم دامغانی، سلمان هراتی، قیصر امین پور و علیرضا قزوه را می توان نام برد.

۲- بحث

۲-۱ - انواع اشعار اعتراض و مضامین آنها

شعرهای اعتراض معمولاً برای اهداف خاصی بیان می شوند و مضامین گسترده ای دارند. گاهی شاعر «شوریدن بر سکوت جهانی، گلایه از دگرگونی ارزش ها، دلنگی از تجمل گرایی، خرده بر بی دزدی، مذمت اهل ریا و فرصت طلبان، شکوه از فریبکاری و فراموشی گذشته و سرزنش شاعران سکوت کرده [را بیان می نماید] (کافی، ۱۳۸۹: ۱۴۸) و حتی گاهی شاعر به دگرذیسی برخی رزمندگان، غفلت جامعه و سوء استفاده از نام ها و نشان ها اعتراض می نماید... (سنگری، ۱۳۸۹: ۷۹) بر اساس این موارد اعتراض گونه، می توان به طور کلی این اعتراض ها را به دو دسته تقسیم کرد: بخشی از اعتراض ها جهانی (برون کشوری) و بخشی داخلی و (درون کشوری) هستند که متوجه بی توجهی های درون جامعه است. در این جا به بررسی جداگانه هر یک از این انواع و مضامین شعر اعتراض بررسی می شود.

۲-۲ - بررسی اعتراض های جهانی یا برون کشوری

اشعار تحت عنوان «اعتراض» دارای مضامین گسترده ای هستند. یکی از این مضامین مسائل مربوط به اوضاع منطقه ای و جهانی را شامل می شود. آنچه بیش از هر چیز در جهان خبرساز است و توجه سایر مردم جهان را به خود معطوف می نماید، مساله جنگ افروزی ها و استعمارگری های کشورهای مستکبری مثل آمریکا، اسرائیل، انگلیس و غیره است. این جنگ افروزی ها در بیشتر مواقع با واکنش های جهانی رو به رو می شوند و هر قشری از مردم اعم از شاعر، نویسنده، نقاش،

عکاس و.. انزجاز خود را نسبت به اعمال ناجوانمردانه مستکبرین نشان می دهند. عنوانی که می توان برای آن اشعار اعتراضی در نظر گرفت شعر با مضمون اعتراض به استکبار جهانی است که در زیر بررسی می گردد.

۲-۲-۱- اعتراض به استکبار جهانی

در دوران معاصر با توجه به بیداری جوامع بشری و گسترده شدن وسایل ارتباطی، دیگر کمتر کسی است که از اوضاع و تحولات سیاسی جهان بی خبر باشد و درد و رنج ناشی از نابرابری ها و بی عدالتی های روا داشته شده بر مردم جهان را احساس نکند؛ به همین دلیل، بسیاری از شاعران ایران در اعتراض به ظلم های مستکبران و استعمارگران جهانی شعر سروده اند. از جمله این اشعار می توان به این شعر طاهره صفارزاده اشاره کرد:

من گفته ام که ویرانی ها / از دروغ واژه «عَمَرَ» می آید / و با وساطت باب
استفعال / به تخریب / به چپاول / به استعمار می رسد (صفارزاده، ۱۳۸۷: ۴۳۲).

او در جای دیگر می گوید: چگونه در حمایت از صلح / با جنگ می جنگند /
آنان که کارخانه کشتار را / در سیم و زر پرورده اند / چگونه با جهل جدال می
ورزند / آنان که در حصار جاه پرستی / اعضاء عقل و خرد را / محبوس کرده اند /
چگونه انسان را دوستی می ورزند / آنان که قلب صنوبری خود را / به دوستی با
جیب هاشان / محدود کرده اند (صفارزاده، ۱۳۸۳: ۱۴۵).

این نوع اعتراض های هم مربوط به کشورهایی مثل لبنان، عراق، افغانستان و...
است و هم وضعیت بردگان و کارگران را در سایر کشورها اعم از فرانسه روسیه و
آمریکا زیر نظر دارد. چنانکه بیژن نجدی می گوید: در فلسطین پاشنه های تفنگ /
صدای دق الباب خانه هاست / و سیدهای موز در آفریقا / زرد، چندان نیست که
پوست مردگان من در آفریقای..... / کاش در ماهواره ای بودم / در بسیاری
تاریک / دورتر از بسیاری گریه (نجدی، ۱۳۸۷: ۱۲۲).

سلمان هراتی نیز در اعتراض به وضع بردگان در کشورهای اروپایی می گوید:
سوسیالیست های فرانسه / وضع بهتری ندارند / سوسیالیست های فرانسه / با لالایی

سیا به خواب می روند / من دیدم / در خیابان شانزه لیزه / زیر پای دموکراسی / پوست موز می گذارند / فکر می کنید مهد آزادی کجاست؟ (هراتی، ۱۳۶۴: ۸۸)

در روسیه همه کوچه ها / به تالار تئاتر ختم می شود / کارگران در فضای دودآلود تریا / پشت سلامتی ودکا / به درک طبقاتی خویش نائل می شوند (هراتی، ۱۳۶۴: ۸۸).

این اعتراض به ظلم های جهانی به تعداد تمام مردم مظلوم جهان است. بنابراین در اینجا تنها به گوشه ای از هزاران اشاره شد. در ادامه به بررسی مضامین اشعار معترض در سطح داخلی (درون - کشوری) پرداخته می شود.

۲-۳- بررسی مضامین اشعار اعتراض در سطح داخلی (درون کشوری)

این نوع اعتراض ها پهنه گسترده ای دارند و به اعمال، رفتار، طرز تفکر و تصمیم گیری مردم و مسوولان مربوط می شود. در ادامه به بررسی جداگانه هر یک از آنها پرداخته می شود.

۲-۳-۱- اعتراض به فراموشی ارزش ها و یاد شهدا

در تمام دوران قبل از انقلاب اسلامی و بعد از آن و همچنین در دوران جنگ تحمیلی، ملت ایران داغدار جوانان بسیاری بود که در راه رسیدن به آرمان های خود و برای تحقق و حفظ ارزش های اسلامی جان خود را فدا نمودند و شهید شدند. این مسئله حفظ و نشر ارزش های شهیدان و دفاع مقدس، دغدغه بسیار مهمی است که همه اقشار جامعه به آن اهتمام دارند. برای همین در ادبیات دفاع مقدس، هم در سال های هشت گانه جنگ تحمیلی و هم در سال های پس از پایان جنگ - گسترده تر و چشمگیرتر - موضوع فراموشی ارزش ها و یاد شهدا، محور و موضوع بسیاری از سروده ها و نوشته ها قرار می گرفت، چون این ارزش ها به مرور زمان کم رنگ می شدند و توجه به مادیات و تجملات جای آن ارزش های والا را می گرفت. چنانکه سیدحسن حسینی در منظومه «مرداب ها و آبها» می گوید:

ماجرا این بود کم کم کمیت بالا گرفت / جای ارزش های ما را عرضه کالا

گرفت (حسینی، مرداب ها و آبها)

بنابراین، همان شاعرانی که در دوران جنگ برای تحریر ملت در جهت دفاع از مرزهای اسلامی شعر می‌سرودند، در عین حال زبان به اعتراض، علیه حرمت شکنی‌ها و بی‌توجهی به ارزش‌ها در داخل کشور می‌گشودند؛ از جمله این اعتراضات می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره نمود:

با دم گرم من بزن، زخمه بر جان تار خویش / باز آهنگ لاله‌ها، دارد از یاد می‌رود (کاکایی، ۱۳۶۹: ۶۴)

چرا ز خاطرمان رفت صبح پیروزی! فرار دشمن و آتش افروزی!
زبان شعر خدا را ز یاد نبریم چقدر غافل از این جلوه‌های معتبریم
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۳)

علی رضا قزوه نیز که در تمامی مجموعه‌های شعر خود، فراموشی ارزش‌ها را گوشزد می‌نماید و با حالت طعنه و ایهام می‌گوید: اسماعیل وصیت کرد روی قبرش بنویسد: «پر گاهی تقدیم به آستان الهی». / امسال هیچ شاعری با حلق اسماعیل هم صدا نشد (قزوه، ۱۳۶۹: ۱۱۱). نمونه‌های دیگر:

دسته گل‌ها دسته دسته می‌روند از یادها / گریه کن، ای آسمان! در مرگ توفان‌زادها
سخت گم نامید، اما، ای شقایق سیرتان! / کیسه می‌دوزند با نام شما، شیادها
(قزوه، ۱۳۹۱: ۱۳)

ای چهره گل انداخته از خون عزیزان! / این گونه علمداری راه شهدا نیست
(مودب، ۱۳۸۸: ۷۱)

برخی دیگر از شاعران معترض، سرگرم شدن مردم به مادیات و فراموشی شهدا را این گونه با کنایه بیان می‌نمایند:

صبح از مزار خط شکنان زنده می‌شود / شاعر هنوز در شکن زلف دلیر است
(مهدی نژاد، سیار، ۱۳۸۸: ۱۶۶)

در خواب آرام دریا دیدم و بسیار دیدم / امواج از یاد رفتند لب‌های ساحل ترک زد
رفتند و رفتند، ماندیم و ماندیم و ماندیم / آن قدر از نان سرودیم تا شعرهامان
کپک زد (مهدی نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۴۵)

در واقع این شاعران به خود و مردم غافل اعتراض می‌کنند که چرا هم و غم خود را در جهت کسب منافع مادی بیشتر صرف می‌کنند.

۲-۳-۲- اعتراض به اوضاع نابسامان جانبازان و رزمندگان

علاوه بر فراموشی یاد و خاطره شهدا، گاهی در جامعه شهدای زنده یعنی جانبازان و رزمندگان سال‌های خون و حماسه، با بی‌مهری مواجه می‌شوند و آنان که زمانی مایه افتخار و پیروزی ملت بودند، حتی گاهی تحقیر هم می‌شوند. این امر، زمینه این گونه اعتراضات را فراهم نمود:

تن یاران وطن پر شده از شعله و زخم / باز، بر زخم چرا زخم زبانید شما؟
(قزوه، ۱۳۹۱: ۸۸)

شب نشسته است روی این معبر، رمز تنهایی تو لو رفته
پر شده از ستون پنجم شهر، ماه را در محاق پنهان کن..
روشنی را به روی تاول‌ها دکمه دکمه ببند تا آخر
باز نیلوفران آتش را در میان اجاق پنهان کن
چند وقتی است از مد افتاده زخم‌ها، این شناسنامه تو
پرده‌ها را ببند، شب شده است؛ روز را در اتاق پنهان کن
(مهدی نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۴۳)

ای مسافر خطوط ارغوان! به من بگو/ پای عاشق تو را/ به جرم پویه رها/ باز هم قلم نمی‌کنند؟ (رضایی نیا، ۱۳۸۹: ۴۲)

در اینجا شاعر به افراد ریاکار و دورویی که به درستی «حزب الباد» نامیده شده‌اند، اعتراض می‌نماید و در مقابل جانبازان نقص عضوی را که خالصانه زندگی می‌کنند، می‌ستاید. نکته مهم در اشعار اعتراض دوره انقلاب اسلامی این است که چون شعرها مربوط به مردم است، از عناصر زبان عامیانه زیاد استفاده می‌نمایند؛ مثل عبارت «قلم کردن پا» در نمونه اخیر و «لو رفتن رمز» در نمونه سوم همین بخش.

بچه‌های بی‌پناه انقلاب / اجتماع بی‌ستارگان / بچه‌های خوب / بچه‌های ناب /
تیم سرفراز عاشقان / مشتشان تمام پر / دستشان تهی! / بنگرید آی بنگرید / گردش
زمانه را! (طهماسبی، ۱۳۸۲: ۸۸)

علاوه بر این ها باید گفت که ارزش های اسلامی حاصل خون شهیدان است و رعایت احترام به خون و خانواده شهدا یکی از اصول ارزشی جامعه است؛ ولی در این دوره حتی برخی از خانواده های شهدا و جانبازان که ارزش های انقلاب را فراموش کرده اند نیز، مورد طعنه و اعتراض قرار می گیرند و گاهی شاعر از این که رزمنده دیروز تغییر کرده، انتقاد می نماید، مثل:

پیراهن تو بوی شهادت می داد ما را تن زخمی ات خجالت می داد
امروز اتو کرده سخن می گویی شور نفست طعم ریاست می داد

(محمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۷)

۲-۳-۳- اعتراض به اوضاع نا به سامان اقتصادی مردم جامعه

شاید به یقین بتوان گفت که بیشترین نوع اشعار اعتراض، مربوط به نابسامانی اوضاع اقتصادی جامعه و مردم است؛ به طوری که از مجموع اشعار جمع آوری شده، حدود ۳۰۰ بیت را شامل می شود. این اشعار، موضوعاتی چون گرسنگی، خالی بودن سفره، یک لقمه نان، نداری، شرمندگی پدر و سرپرست خانواده و... را در بر می گیرند. برای نمونه:

یکی به عربده گفت: / درود بر آبی / [دیگری گفت] / درود بر قرمز / فضای ساده و سبز زمین آزادی / در انفجار صدای ترقه ها در دود / نود دقیقه کدورت / نود دقیقه کبود / در آستانه در / غریب و غمزده طفلی کنار وزنه پیر / به فکر سنجش وزن هزار ناموزون / و پیرمردی گنگ / نشسته خسته / به دنبال لقمه ای روزی / کدام استقلال؟ / کدام پیروزی؟ (مهدی نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۴۷-۴۶)

در اینجا شاعر از طریق به کار بردن ایهام در کلمات پایانی شعر، حرف دل مردمان درد کشیده ای را بیان می کند که حتی از مایحتاج اولیه زندگی خود نیز محروم مانده اند.

در آمد از راه / دست هایش خالی / کودکان چشم به دستان پدر... / سفره خالی را / پدر از پنجره بیرون انداخت / سفره قلبش را / بار دیگر گسترده / بیچه ها / آن شب هم - / مثل دیگر شب ها - / یک شکم سیر محبت خوردند! (حسینی، ۱۳۶۳: ۹۱)

بین واژگان این اشعار با موضوع آنها تناسب دیده می‌شود که باعث هماهنگی بیشتر جمله و موضوع می‌شود. مثل: سفره خالی، دست خالی، رنج، حسرت و.. نمونه‌های دیگر:

می‌توان آیا غم یک مرد را ترسیم کرد؟ / نقشه جغرافیای درد را ترسیم کرد؟..
می‌توان با دیدن دستان سرشار از تهی / سایه رنج دل یک مرد را ترسیم کرد؟

(مهدی نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۱۸۱)

انگار بابا هم کلاس اولی است / هی می‌نویسد این ندارد، آن دارد

(مهدی نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۱۲۸)

داد زد چرا کسی به دادمان نمی‌رسد؟ / دست‌های عاشقانه تا دهانمان نمی‌رسد

(قزوه، ۱۳۷۴: ۳۶)

بحث مسائل اقتصادی و تامین نیازهای روزمره زندگی مردم به وسیله مسولان، آن قدر از نظر اسلام مهم است که ایمان افراد را منوط و در گرو آن دانسته‌اند. چنانکه پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید: «کاد الفقر ان یکون کفرا» یعنی نزدیک است که فقر و ناداری به کفر منتهی شود؛ بر این اساس، در اشعار بسیاری نیز به این مسئله اشاره شده و البته به دید اعتراضی آن را نقد کرده‌اند، اما این‌ها واقعیت‌های اجتماعی هستند که باید آنها را پذیرفت. از جمله:

آدم آن روز که دستش به دهانش نرسید / از خدا دست کشید و پی شیطان افتاد

(مهدی نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۵۸)

گندم، فریب دایمی گندم / ما رانده از بهشت به جرم نان

(مودب، ۱۳۸۸: ۲۴)

در اینجا شاعر با حسن تعلیل و به طور شاعرانه دلیل اخراج شدن حضرت آدم (ع) از بهشت را این می‌داند که غصه گندم و نان، باعث طرد ایشان گشت. نمونه‌های دیگر این موضوع:

وقتی که اشتهای تو پر، واز می‌کند / مادر نشسته است، تو را ناز می‌کند...

امشب بخواب و گرم خودت باش و با خدا.. / در بخت ما نوشته که یا پول، یا خدا»

(مهدی نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۱۶۴)

اژدهای فقر، هر سو می وزید / کفر در باروی ایمان می خزید
سیل در هر کوچه ای می زد قدم / رحم، جان می داد و وجدان نیز هم
(طهماسبی، ۱۳۸۲، ۱۳۲)

۲-۳-۴- اعتراض به تضاد طبقاتی

یکی از معضلاتی که در اثر نابرابری های اقتصادی بعد از انقلاب به سرعت گریبان گیر جامعه شد، تضاد طبقاتی بود. عده ای از طریق زد و بندهای سیاسی به نان و نوایی رسیدند و گروهی نیز در سیاه بازاری و سیاه بازی های دوران جنگ خود را بالا کشیدند و بهایش را گروهی دیگر با چهره سیلی خورده پرداخت کردند که نمود آن در شعرهای دهه هشتاد و اعتراض های دهه هفتاد مشهود است. (جعفری زاده و مدبری، ۱۳۹۱: ۱۸۶) از این نمونه اعتراض ها می توان به نمونه های زیر اشاره نمود:

نان گرم تازه نمی خوی آقا آن دختر نان فروش دستانش را
به سوی همه دراز می کرد و تو در ماشینت به فکر کیک فردا
(ارژن، ۱۳۸۸: ۹۸)

در واقع شاعر نه تنها تضاد طبقاتی بلکه تضاد فکری این دو قشر جامعه را نشان می دهد؛ یکی در فکر تامین نیازهای اولیه زندگی و دیگری در فکر تجملات و تشریفات زندگی. پدر! نگاه کن آن خانه مجلل را / و توی باغچه اش، رقص برگ مخمل را و کودکان تمیزش که هی زدند مرا / و سالهاست که بازی نمی دهند مرا.. بگو عروسک سارا چرا گلی است، پدر! چه قدرتی است در آن هاست که در تو نیست؟ پدر! تفاوتی است اگر بین دینشان با ما / عوض کنیم بیا دین فقر را، بابا! (مهدی نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۶۹)

چرا عبدالله به شهر نیامد؟ / وقتی ارباب به ناموش چشم دارد / چرا سهم عبدالله / جریب جریب زحمت است و حسرت / و سهم ناصرخان / هکتار هکتار محصول است و استراحت؟ (مهدی نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۲۲۸)

۲-۳-۵- اعتراض به افراد سودجو و منفعت طلب

در لحظه ها و روزهای مبارزه و پایداری و شهادت، عافیت طلبان حادثه گریز به مدد توجیه و بهانه از صحنه و میدان کناره می گیرند و به «خود» و دنیای خود

می‌پردازند. در ادبیات پایداری ملت‌ها، لبه تیز حمله، گاه متوجه این گونه افراد است که از همه چیز به نفع خود استفاده می‌کنند و حتی از جنگ یا جبهه، وسیله‌ای برای رسیدن به منافع خود استفاده می‌کنند. از جمله این افراد، برخی از تاجران و بازاریان هستند که این گونه مورد طعن و اعتراض قرار می‌گیرند:

تاجری مجلس تفسیر گذاشت / ابتدا فاتحه بر قرآن خواند (حسینی، ۱۳۸۷: ۵).

در این عبارت به وسیله بازی با کلمات، شاعر توانسته است ویژگی برخی از تاجران بی انصاف را به تصویر کشد؛ یعنی شاعر به جای حرف «از» حرف «بر» را به کار برده و بدین وسیله معنای مورد نظر را ابداع نموده است. در جای دیگر همین شاعر با کنایه می‌گوید:

شاعری را یک روز / زیر بازارچه شلاق زدند / ژنده پوشی سبب واقعه را جویا شد / کافه اهل تجارت گفتند / لفظ «بازار» گرامی باد! / و قلم های مونس نبود! / «مردم آزار» کجا / قافیه با «بازار» است (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۷) و یا:

سلام بر همه الآ به قلب مغلوبان سلام بر همه الآ به انقلاب فروش
شما که خون دل خلق را پیاله شدید! شرور شهر شما مید یا شراب فروش!؟

(قزوه، ۱۳۹۱: ۷۸)

در واقع، قزوه معتقد است که گناه فرد شراب فروش شخصی است، ولی گناه تاجران و غیره، حق الناس است.

۲-۳-۶- اعتراض به افراد بی درد و مرفه جامعه

در طول تاریخ همواره انسان هایی بوده اند که برای راحتی و آسایش خویش، دست به هر کاری زده اند. انسان هایی که هرگز اعضای دیگران نبودند و خود را از گوهر و نژادی برتر دانسته اند. اینان، همان کسانی هستند که از تیررس نکته پردازان و سخن سرایان در امان نبوده اند. چنانکه سلمان هراتی در مورد آنان می‌گوید: وقتی جنوب را / بمباران کردند / تو در ویلای شمالی ات / برای حل کدام جدول بغرنج / از پنجره به دریا / نگاه می‌کردی (هراتی، ۱۳۶۴: ۵۳)

این افراد، خود را تافته جدا بافته ملت می‌دانند و هیچ گونه رنج و سختی را بر نمی‌تابند. از نظر این افراد بی‌درد و رفاه طلب: این همه خون، حجامت ملت بود /

نشریه ادبیات پایداری / ۳۰۱

تا حاج آقا همچنان چلو کباب سلطانی کوفت کند/ تا قلیان بکشد/ به تسبیح شاه مقصودش بنازد/ و با تلفن زمینس معامله کند (قزوه، ۱۳۶۹: ۹۲-۹۳)

همان طور که مشاهده می شود پیکان این انتقادات گاه به سمت افراد ظاهراً دین دار و خوش سابقه و در عین حال راحت طلب و بی درد نیز نشانه می رود. نمونه دیگر:

بگذارید که فتوا بدهم تضمینی

کفر محض است گر از قصر بر آید دینی

تیغ و اسب است که پوسیده به میدان، یا رب!

کاخ ها سبز شده از خون شهیدان، یا رب!

(مهدی نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۱۱۴)

۲-۳-۷- اعتراض به سکوت شاعران و دیگر هنرمندان

هنر، به قول نیچه، ناشی از عدم تحمل هنرمند نسبت به وضعیت موجود است. این وضعیت موجود می تواند هستی باشد، می تواند جامعه باشد، می تواند زندگی خصوصی هنرمند باشد؛ بنابراین، هنر از جمله شعر، امری اعتراضی است (شمس لنگرودی، ۱۳۹۰: ۵۸).

بنا بر این گفته، وظیفه شعر و هنر یک نوع اعتراض به جهان و به وضع موجود است و هنرمندان هیچ گونه ناموزونی و یا نابرابری را بر نمی تابند و همواره خواهان بهترین وضعیت هستند و در جهت خلق این وضعیت آرمانی در هر رشته ای که هستند تلاش می نمایند؛ اما یکی دیگر از پرکاربردترین مضامین اعتراضی در شعر بعد از انقلاب و به خصوص دو دهه اخیر، اعتراض به سکوت کردن جامعه بشری، شاعران و دیگر اقشار جامعه در برابر بی عدالتی ها و نابرابری ها است. در واقع باید گفت که این نوع، اساسی ترین نوع اعتراض است، چون باعث بیداری، تحریر و ترغیب جامعه برای قیام علیه نابرابری های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و.. می شود. این اعتراضات عبارتند از:

وقتی تابوت عاطفه بر زمین مانده بود / جمعی به جیغ بنفش می اندیشیدند/ و برای کشف زوزه صورتی/ هفت مرتبه الیوت و اکتاویوپاز را ورق می زدند (قزوه، ۱۳۶۹: ۹۹)

در این عبارات، شاعر اقشار مختلفی از هنرمندان را مورد طعن قرار می دهد که چرا امور مهم و ضروری زندگی را رها کرده و به امور غیر ضروری سرگرم شده اند. نمونه دیگر:

بس نیست؟ چقدر از می و افیون بنویسید؟

امشب شب شعری ست که با خون بنویسید

مردم ز قلم بازی تان، فصل تفنگ است

شب نامه زیاد است، شبیخون بنویسید

هیئات که صبحی بدمد زین شب بی شور

آینده همان است که اکنون بنویسید

(مهدی نژاد، ۱۳۸۷: ۳۸-۳۹)

اما در مقابل این گونه شاعران نامتعهد، شاعران دیگری نیز هستند که اعتراض و فریاد در برابر ظلم را سرلوحه شعر خود قرار داده اند و می گویند: مرا نشناختند / که گفتند: لب فرو بند/ و به سری که درد نمی کند/ دستمال میند. / من اما سرم درد می کرد! / گفتم: / دیروز چاره ساز این سر پر درد / یک پیشانی بند سبز بود/ و امروز/ جز با زبان سرخ نشاید که چاره کرد / گو هرچه باد، باد. (قزوه، ۱۳۶۹: ۱۱۸) نمونه های دیگر:

امشب سکوت را / باید طلاق داد/ و نشانند باید/ انگشتر طلایی فریاد/ در

انگشت جاری باد/ مبارک باد! (حسینی، ۱۳۶۳: ۹۳)

من شیعه ام و منتظر آقا/ با این همه قبول ندارم/ که شیعه فقط همیشه بگوید

«چشم، شیعه همیشه کله بجنابند» (مهدی نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۱۸۷)

۲-۳-۸- اعتراض و انتظار موعود (عج)

شعر انتظار، جلوه گاه اعتراض، انتقاد، حرکت، تکاپو و بیداری است. شاعران

شیعی، انتظار را راهی برای رسیدن به جهان مطلوب می دانند و معتقدند که همه

اقشار جامعه از بالادست تا پایین دست باید در جهت زمینه سازی ظهور موعود تلاش کنند. این شاعران متعهد با شناختی که از امام زمان (عج) و اجداد و آبای گرامی ایشان دارند، می دانند که امام عصر (عج) هیچ گاه طرفدار تجمل گرایی، کسب نام و نشان رسمی و.. نیستند، پس در اشعار خود این صفات را این گونه مذمت می کنند:

توفانی در راه است / و مردی می آید / که به درجه تیمسارها نگاه نمی کند /
از سمت بهشت زهرا / با سربازانی پا برهنه / که از چشمانشان لاله می چکد! /
مردی می آید / که از شعار و حرف زیادی بدش می آید / مردی که به پاترول ها
سواری نداده است / و کلکسیون پیکان ندارد! (قزوه، ۱۳۶۹: ۱۵۲) در جای دیگر
شاعر در اعتراض به حرف های بی عمل و تجملات و ظاهر سازی های عده ای به
بهانه زمینه سازی ظهور با طعنه می گوید:

چیزی از سوره یوسف به عزیزی نرسید / بس که در حق تو کردند مسلمانی ها
همه در دست، ترنجی و از این می رنجی / که به نام تو گرفتند چه مهمانی ها
(مهدی نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۶۶)

در اینجا «مسلمانی ها» در معنی متضاد آن به کار رفته است و شاعر نوعی
آیرونی یا طنز کنایی به کار برده است. و یا:
امسال در خیابان ولی عصر هیچ کس مثل خود آقا غریب نبود! (قزوه،
۱۳۶۹: ۱۱۳)

بیشتر این انتقادات مربوط به افراد به ظاهر منتظر امام زمان (عج) می باشد و در
ابیات زیر، شاعران خطر اعتماد به این گونه منتظران را گوشزد می نماید:
مغرور نیرنگ برادرها شدن سهل است / در چاه یارانت نیفتی، یوسف تنها!
(مودب، ۱۳۸۸: ۸۳)

به مشتاقان آن شمشیر سرخ شعله ور در باد

بگو: «تا انتظار این است، اسبی زین نخواهد شد!»

(قزوه، ۱۳۹۱: ۵۰)

در واقع این گونه اعتراضات همچون نسخه هایی از «امر به معروف و نهی از منکر» است و هدف آنها آگاه نمودن منتظران به انحرافات خود و تلاش برای حرکت به سمت اصلاحات اصیل اسلامی و ظهور امام زمان (عج) است.

۲-۳-۹- یاد کرد عدالت و انصاف امام علی و دیگر ائمه اطهار (علیهم السلام)

یکی از مهمترین ویژگی های اشعار اعتراض، توجه این گونه اشعار به بیان خصوصیات اخلاقی و معنوی ائمه اطهار (علیهم السلام) است. در مکتب اسلام، امامان، مظهر عدالت، سادگی و حق طلبی هستند. از آنجا که هدف اشعار اعتراض هم رسیدن به عدالت اجتماعی است، در این اشعار از ساده زیستی، عدالت، وفاداری و ایثار امامان معصوم بسیار یاد شده است و همین ویژگی نشان دهنده جنبه اصلاحی و عدم مخرب بودن این اشعار اعتراض است. مثل:

شکستم بیعت این زهد بازان مقدس را / که دیدم دینشان آلوده دنیا و در هم بود
شما هم چون علی سر در تنور داغ می کردید / اگر در قلبتان ایمان و پروای جهنم بود

(مهدی نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۱۸۵)

در این ابیات شاعر ایمان و تقوای امام علی (ع) را بیان می نماید و در واقع از بی تقوایی و حریص بودن مردم بر دنیا انتقاد می کند. همچنین در نمونه زیر عدالت طلبی و صداقت امیرمؤمنان به مردم گوشزد می شود و این یعنی این که شاعر به ناعدالتی و ناراستی مردم اعتراض دارد.

بیاید با ماشین بیت المال / به خانه با جناقمان نرویم / بیاید مظلومیت علی (ع)
را صادر کنیم / و صداقت امام را، / بیاید استقلال را / در ورزشگاه آزادی جستجو
نکنیم (قزوه، ۱۳۶۹: ۱۲۸)

نمونه دیگر:

کیست آن کس کز علی یادی کند؟ بر یتیمان من امدادی کند
دست گیرد کودکان درد را گرم سازد خانه های سرد را

(مهدی نژاد و سیار، ۱۳۸۸: ۲۸)

در میان شاعران معترض، علی رضا قزوه بیش از دیگر شاعران به بیان ویژگی های ائمه توجه کرده است و در مجموعه ای به نام «مولا ویلا نداشت» می گوید:

بیا به آفتابی نهج البلاغه برگردیم / چرا نهج البلاغه را جدی نمی گیریم؟ / مولا ویلا نداشت (قزوه، ۱۳۶۹: ۱۰۷). در واقع با این بیان، او اعتراض خود را به تجمل گرایی اظهار می دارد.

۳- نتیجه گیری

بر اساس آنچه گفته شد، می توان دریافت که شعر اعتراض نوعی شعر اجتماعی است که در آن نادرستی های رفتاری مردم و مسولان گوشزد می شود. هدف این نوع شعر، اصلاح زشتی ها از طریق نکوهش و سرزنش زشتی ها است و به تحریض، تهییج و تحریک مردم در امور سازنده می پردازد، همچنین در ضمن همدردی با مردم در غم ها و حادثه ها، صدای توده مردم را به مسولان بالادست می رساند و مسولان را نیز در جهت رفع مشکلات جامعه یاری می نماید. غالباً این اعتراضات در مورد فراموشی ارزش ها و یاد و خاطره شهدا و در مورد مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و.. است، اما این اعتراض ها به صورت پرخاشجویی علیه نظام اسلامی نیست، بلکه این نوع شعر با زبان طنز و یا با زبان نمادین مردم و مسولان را آماج تیرهای منتقدان و معترضان قرار می دهد و همین مسئله، باعث شده تا این اشعار اعتراضی دهه های اخیر با شعر سیاسی دوره مشروطه یا سال های پیش از انقلاب اسلامی تفاوت داشته باشد.

فهرست منابع

۱. ارژن، بیژن، (۱۳۸۸)، **چهل کلید**، چاپ دوم، تهران: نشر تکا.
۲. پورممتاز، علی رضا، (۱۳۷۲)، **فرهنگ جامع چاپ و نشر**، تهران: موسسه نمایشگاه های فرهنگی.
۳. حسینی، سیدحسن، (۱۳۶۳)، **هم صدا با حلق اسماعیل**، تهران: حوزه هنری.
۴. حسینی، سیدحسن، (۱۳۸۷)، **نوش داروی طرح ژنیک**، تهران: نشر سوره مهر، چاپ ششم.
۵. رضایی نیا، عبدالرضا، (۱۳۸۹)، **کفش های مجنون گم گشت**، مشهد: سپیده باوران.
۶. رضایی نیا، عبدالرضا، (۱۳۸۴)، **گزیده ادبیات معاصر**، تهران: نشر کتاب نیستان.

۷. زرقانی، مهدی، (۱۳۸۷)، چشم‌انداز شعر معاصر، چاپ سوم، تهران: ثالث.
۸. سنگری، محمدرضا، (۱۳۸۹)، ادبیات دفاع مقدس، (مباحث نظری و شناخت اجمالی گونه‌های ادبی)، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، تهران.
۹. سلیمانی، فرامرزه، (۱۳۶۰)، شعر شهادت است، نشر موج، تهران.
۱۰. شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۰)، تازیانه‌های سلوک، تهران: نشر آگاه، چاپ سوم.
۱۱. صفارزاده، طاهره، (۱۳۶۵)، بیعت با بیداری، شیراز: شر نوید.
۱۲. _____، (۱۳۸۷)، طنین بیداری، تهران: شر تکا.
۱۳. _____، (۱۳۸۳)، روشنگران راه، برگ زیتون: تهران: نقش سیمغ.
۱۴. طهماسبی، قادر، (۱۳۸۲)، گزیده ادبیات معاصر، تهران: نشر کتاب نیستان.
۱۵. قزوه، علی رضا، (۱۳۹۱)، صبح تان بخیر مردم، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، تهران: موسسه انتشارات کتاب نشر.
۱۶. _____، (۱۳۹۱)، صبح بنارس، تهران: موسسه فرهنگی هنری شهرستان ادب.
۱۷. _____، (۱۳۶۹)، از نخلستان تا خیابان، تهران: مرکز آفرینش‌های ادبی.
۱۸. _____، (۱۳۷۴)، شبلی و آتش، تهران: اهل قلم.
۱۹. کاظمی، محمد کاظم، (۱۳۹۰)، ده شاعر انقلاب، تهران: سوره مهر.
۲۰. کاکایی، عبدالجبار، (۱۳۶۹)، آوازه‌های واپسین، تهران: نشر همراه.
۲۱. _____، (۱۳۸۷)، باسکوت حرف می‌زنم، تهران: نشر علم.
۲۲. عبدالملکیان، محمدرضا، (۱۳۶۶)، ریشه در ابر، تهران: نشر برگ.
۲۳. محمدی، عباس، (۱۳۸۸)، با نام تو مجنون، قم: ابتکار دانش.
۲۴. مودب، علی محمد، (۱۳۸۸)، روضه در تکیه پروتستان‌ها، تهران: سپیده باوران، چاپ دوم.
۲۵. مودب، علی محمد، رستمی، کاظم، (۱۳۸۸)، مسئله ۲۲ خرداد نبود، مسئله ۲۲ بهمین بود، تهران: دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی.
۲۶. مهدی نژاد، امید؛ سیار، محمدمهدی، (۱۳۸۸)، دادخواست ۱۰۰ شعر اعتراض، تهران: سپیده باوران، چاپ سوم.
۲۷. مهدی نژاد، امید، (۱۳۸۷)، رجز - مویه، مشهد: سپیده باوران.
۲۸. نجدی، بیژن، (۱۳۸۷)، پسر عمومی سپیدار، چاپ دوم، موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، تهران: نشر تکا.

۲۹. وحیدی، سیمین دخت، (۱۳۸۱)، **هشت فصل سرخ و سبز**، تهران: نشر برگ زیتون.
۳۰. وحیدی، سیمین دخت، (۱۳۷۵)، **موج های بی قرار**، تهران: نشر حدیث.
۳۱. هراتی، سلمان، (۱۳۶۴)، **از آسمان سبز**، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.

مقالات

۱. پشتدار، علی محمد، (۱۳۸۹)، «**چشم انداز آزادگی و ادب اعتراض در شعر فارسی**»، دو فصلنامه علوم ادبی، سال سوم، شماره پنجم، صص ۱۷۲-۱۵۷.
۲. جعفری زاده، علی، (۱۳۹۱)، «**پروسی رباعی از اول انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۰**»، استاد راهنما دکتر محمود مدبری، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۳. حسینی کلبادی، سیده هاجر، (۱۳۹۰)، «**پروسی شعر اعتراض در ادبیات دفاع مقدس، با نگاهی به مفهوم آن در ادبیات کلاسیک**»، استاد راهنما دکتر یدالله شکری، دانشگاه سمنان.
۴. سنجری بنستانی، میثم، (۱۳۹۱)، «**پروسی مضامین مشترک شعر دفاع مقدس در شعر (قیصر امین پور، سلمان هراتی و سپیده کاشانی)**»، استاد راهنما، دکتر عبدالعلی اویسی کهخا، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۵. سنگری، محمدرضا، (۱۳۷۷)، «**ادبیات پایداری (مقاومت)**»، (فصلنامه) نامه پژوهش، سال نهم، شماره ۹، صص ۹۶-۷۹.
۶. صرفی، محمدرضا، هاشمی، سیدرضا، (۱۳۹۱)، «**دفاع مقدس، تعهد و تحول در شعر قیصر امین پور**»، نشریه ادبیات پایداری سال دوم، شماره سوم، صص ۳۳۰-۳۵۴.
۷. صدقیان زاده، قاسم، (۱۳۹۰)، «**پروسی مولفه های پایداری در شعر دفاع مقدس با تکیه بر شعر قیصر امین پور و سلمان هراتی**»، استاد راهنما دکتر احمد امیری خراسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۸. میرشکاک، یوسف علی، (۱۳۸۷)، «**ای کاش می توانستیم به سخن اصل تفکر گوش بسپاریم**»، ماهنامه راه، شماره ۹، صص ۵۹-۵۴.
۹. لنگرودی، محمد شمس، (۱۳۹۰)، «**شعر و هنر یک نوع اعتراض است به جهان**»، نشریه گزارش، شماره ۲۲۷، صص ۶۴-۵۸.